

بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵)

دکتر جلیل ایران محبوب^۱ و اصغر میرفردی^۲

چکیده

این مقاله با هدف شناخت تعامل واقعی بین جمعیت و شهرنشینی در ایران در طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ به بررسی آن پرداخته است.

ایران در طی بیش از چهاردهه گذشته با دو پدیده مرتبط بهم یعنی رشد جمعیت و شهرنشینی مواجه بوده است. شهرنشینی فزاینده ایران در طی دهه های اخیر در ارتباط مستقیم با جمعیت می باشد و از سوی دیگر پدیده شهرنشینی خود تحولاتی را در ساخت جمعیت از نظر فعالیت ساخت سنی و جنسی بوجود میآورد. این مقاله با بهره گیری از آمارهای موجود و تحلیل آنها به بررسی شهرنشینی و ارتباط بین جمعیت و شهرنشینی در ایران می پردازد. گسترش میزان شهرنشینی، افزایش تعداد شهرها، افزایش مشاغل خدماتی و غیرتولیدی از جمله مباحثی است که این مقاله به آنها پرداخته و به نتایجی در این زمینه ها نائل شده است.

این مقاله با بهره گیری از دیدگاه نظام جهانی و همچنین طرح جامع طبقه بندی شوکی، ویلیام وبل، پس از تحلیل اطلاعات به این نتیجه رسید که افزایش جمعیت از یکسو و سیاستهای اقتصادی اجتماعی در جامعه از سوی دیگر موجب افزایش جمعیت در مرحله اول، افزایش مهاجرت روستا- شهری و در نتیجه افزایش میزان شهرنشینی و ایجاد شهرهای جدید و شکل گیری کلان شهرها در مراحل بعدی شده است.

واژگان کلیدی

شهرنشینی، مهاجرت روستا - شهری، حاشیه نشینی، کلان شهر، تأثیر متقابل فرایند.

۱- دکتری جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

۲- دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

جمعیت انسانی طی دوران و اعصار گذشته دچار تحولات متفاوتی شده است. مراحل رشد و کاهش جمعیت انسانی همراه با پدیده‌هایی چون فقر و یا رونق اقتصادی، قحطی، خشکسالی، سیل، زلزله، بیماری‌های همه گیر و خانمانسوز، قابل بررسی و تأمل می‌باشد. دوران سه گانه جمعیت آنگونه که دیوید رایزمن به آن پرداخته است^۱، نشانگر تأثیرپذیری ساخت جمعیتی جوامع از تحولات تکنولوژیک و بهداشتی می‌باشد. رشد امکانات بهداشتی و تأمین نیازهای خوراکی به دنبال دگرگونی در ابزارهای تولیدی، زمینه مناسبی برای افزایش جمعیت فراهم ساخت. رشد بالای جمعیت در دنیا به ویژه در کشورهای پیشرفته طی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، اندیشه کنترل جمعیت متأثر از دیدگاه مالتوس را تقویت کرد. این افزایش جمعیت که متناسب با ساخت غالب زندگی آن دوران یعنی روستایی - زراعی نبود منجر به آغاز مهاجرت‌های روستا - شهری و حتی بین قاره‌های (از قاره اروپا به آمریکا) گردید. این مهاجرت‌ها در شکلگیری سکونتگاه‌های جدید و افزایش جمعیت شهرهای قدیمی کارساز افتاد. پس از تثبیت صنعتی شدن و بهره‌گیری از ابزارهای نوین در بخش کشاورزی و دیگر فعالیت‌های روستایی آهنگ رشد مهاجرت روستا - شهری در آن کشورها کاهش یافت. از این به بعد با افزایش فاصله توسعه بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته از یکسو و نابرابری و تفاوت داخلی در درون کشورهای توسعه نیافته از سوی دیگر مهاجرت روستا - شهری در این کشورها فزونی گرفت به گونه‌ای که علاوه بر تشکیل کلان شهرهای غیرسازمان یافته پدیده‌هایی چون بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی و انحرافات در این شهرها را نیز موجب شد.

تبدیل شهرهای بزرگ و مراکز کشورهای در حال توسعه به عنوان مدار ارتباط بخشهای کوچکتر این کشورها با کشورهای توسعه یافته جایگاه ویژه‌ای به آنها بخشید و رشد بی‌رویه آنها را موجب شد.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که از اوایل قرن بیستم بصورت رسمی و سازمان یافته در معرض پدیده‌های نوسازی غرب قرار گرفت، طی دهه‌های گذشته به شدت متأثر از روند شهرنشینی بوده و به نوعی عدم تعادل در حوزه‌های جمعیتی و اقتصادی دچار شده است.

شهرنشینی، جامعه ایران را در طی سه دهه گذشته دستخوش تحولات زیادی ساخته است در حالی که خود در ارتباط با پدیده دیگری همچون رشد جمعیت قابل بررسی است. در واقع ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه در طی دهه های اخیر با این دو پدیده مرتبط به هم یعنی افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی مواجه بوده است. این دو به صورت متقابل بر یکدیگر اثر نهاده و بطور ساختی ترکیب و توزیع جمعیت کشور را تحت تاثیر قرار داده اند. لذا هدف کلی این مطالعه بررسی شرایط تعاملی جمعیت و شهرنشینی در ایران می باشد و در پرتو این هدف کلی، اهداف جزئی شامل موارد زیر می باشند:

- ۱- بررسی عوامل مؤثر بر رشد و گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها.
- ۲- بررسی پیامدهای رشد جمعیت شهری و افزایش شهرنشینی بر ساخت جمعیت کشور.

سؤالات و فرضیات بررسی

فرضیات زیر در رابطه با اهداف تحقیق مطرح می گردند:

فرضیه نخست: سیاست های جمعیتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن سیاست های اجتماعی - اقتصادی و تقسیمات کشور در دو دهه اخیر در افزایش نسبت شهرنشینی مؤثر بوده اند.

فرضیه دوم: شهرنشینی در ایران توأم با افزایش صنعتی شدن و تقویت روحیه صنعتی و تولیدی نبوده و در مقابل به افزایش مشاغل غیرتولیدی و در نهایت جریان مصرف گرایی منجر شده است.

فرضیه سوم: الگوی رشد شهری در ایران مشابه آنچه در الگوی نظام جهانی مطرح شده است می باشد و شهرها در یک چرخه سلسله مراتب وابستگی از مناطق کمتر توسعه یافته تا بیشتر توسعه یافته از جمله نوع کلان شهر قرار دارند.

روش تحقیق

در این مقاله با روش اسنادی و با بهره گیری از منابع آماری ثانویه از قبیل آمارهای توصیفی، نتایج سرشماری های نفوس و مسکن، کتب، مقالات و گزارش محققان در این

زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله آمارهای مربوط به سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مروری بر نظریات

یکی از نظریات مهم در مورد شهر و شهرنشینی مفهوم «انقلاب شهری» گوردن چایلد* است. از نظر وی پیدایش شهرها با دو انقلاب عظیم در ساخت اقتصادی و در سازمانهای اجتماعی همراه بوده است و این دو تحول خود پیامد رشد جمعیت بوده است. ویژگی متمایز کننده شهر از روستا از نظر چایلد عبارتست از:

- ۱- گستردگی نخستین شهرها از نظر وسعت و تراکم در مقایسه با روستاهای زمان خود.
 - ۲- نوع فعالیت ساکنان شهر عمدتاً غیرکشاورزی است.
 - ۳- تفاوت بناهای شهری با بناهای روستایی.
 - ۴- وجود مالیات برای تولیدات روستایی.
 - ۵- وجود طبقات در شهر.
 - ۶- اختراع خط برای نیازهای زندگی شهری.
 - ۷- پیشرفت علوم ریاضی و نجوم.
 - ۸- اجتماع متخصصان تمام وقت در شهرها.
 - ۹- پیدایش و گسترش تجارت اشیای تجملی با مناطق دوردست.
 - ۱۰- استقرار روابط سازمان یافته سیاسی و حکومتی بجای روابط قومی. افرادی چون رابرت آدامز** با انتقاد از چایلد برخی ویژگی های یاد شده را مربوط به شهرهای مناطق غیرمتمدن نیز می‌دانند.^۲
- او برای (۱۳۷۰) اجزاء تشکیل دهنده رشد جمعیت شهری را شامل سه منبع مشخص

می‌داند:

* - Child.G

** - Adams R

الف) کوچ خالص (درون کوچی منهای برون کوچی) شامل:

۱ - کوچ از مناطق روستایی.

۲ - کوچ از کشورهای دیگر و برعکس می باشد.

ب) افزایش طبیعی جمعیت (موالید منهای مرده ها)

که شامل افزایش طبیعی جمعیت بومی، افزایش طبیعی جمعیت کوچندگان و افزایش

طبیعی مناطق دوباره دسته بندی شده می باشد.

ج) دسته بندی دوباره شامل پیوستگی به مناطق دیگر و تغییر در تعریف جمعیت شهری.

از نظر او برای دو جزء نخست یعنی کوچ خالص و افزایش طبیعی جمعیت مهمترین

عوامل مؤثر در رشد جمعیت می باشند. از نظر وی رشد جمعیت شهرنشین در کشورهای

در حال توسعه بیشتر به واسطه افزایش طبیعی صورت می گیرد. در مرحله نخست یعنی

زمانی که سطح شهرنشینی پائین است و میزان افزایش طبیعی جمعیت شهر و روستا

بالاست کوچ خالص عموماً بیش از افزایش طبیعی در رشد جمعیت شهری نقش دارد. در

مرحله میانی رشد شهرنشینی، افزایش طبیعی نقش مسلط دارد و در مرحله پایانی که

شهرنشینی در سطح بالایی است و آهنگ افزایش طبیعی جمعیت پائین می باشد احتمالاً

رابطه معکوس شده و دوباره کوچ خالص عنصر اساسی (رشد جمعیت شهری) می گردد.^۱

پیرامون ابرشهری، تقدم شهری و یا تک شهری نظریات گوناگونی ارائه شده است. از

جمله دیدگاه وابستگی بیان می کند که ابرشهرها و تقدم شهری یک جزء مهم از

سرمایه داری وابسته است که اجازه می دهد ارزش اضافی از کشورهای حاشیه ای به مرکز

انتقال یابد.^۲ نظریه نظام جهانی به شیوه جامعتری نابرابری بین شهرهای مرکزی و مناطق

پیرامونی را تبیین می کند.

شوکی. بل و ویلیام (Shevky, Bell, and Williams) در سال های ۵۵ - ۱۹۴۹

طرحی جامع برای طبقه بندی مناطق شهری در سه بعد؛ مرتبه اجتماعی، شهرنشینی و جدایی

مکانی، ارائه دادند. شاخص مرتبه اجتماعی مورد نظر آنها شامل ۱- نسبت شغلی براساس

سهم کارگران یدی در هر منطقه. ۲- نسبت تحصیلات (بیانگر سهم بزرگسالان با کمتر از

هفت سال تحصیلی می باشد) بوده است. شاخص جدایی مکانی نیز شامل سهم افرادی که

در یک منطقه در خارج از منطقه متولد شده اند بوده و سفید یا سیاه می باشد شاخص

شهرنشینی نیز شامل: ۱- نسبت باروری یک منطقه ۲ - نسبت زنان شاغل ۳ - نسبت تک خانواده مجزا که در یک واحد مسکونی زندگی می کنند^۵.

برای چارچوب نظری این بررسی، ترکیبی از دیدگاه نظام جهانی در مورد شهرنشینی و طبقه بندی مناطق شهری شوکی، بل و ویلیام مورد استفاده قرار گرفته است. بدین معنا که روند شهرنشینی براساس نابرابری منطقه ای، ملی و جهانی مورد بررسی قرار می گیرد و از سوی دیگر شاخص های مختلف اجتماعی شهرنشینان مورد توجه قرار می گیرد.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت جایگاه جمعیت در زندگی انسان امروزی، این موضوع از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است. موضوع های جمعیت و شهرنشینی به هم مرتبط می باشند ولی تاکنون مطالعه ای که به صورت تعاملی آنها را بررسی نموده باشد انجام نشده است. از میان محققان داخلی می توان به زنجانی (۱۳۷۰) اشاره کرد. وی در کتاب جمعیت و شهرنشینی در ایران با بررسی آمارهای موجود جمعیت شهرنشین کشور در دهه های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵، ترکیب های سنی، جنسی، نوع مشاغل و فعالیت های جمعیت شهرنشین و دیگر شاخص های جمعیتی را نشان داده است^۶.

ریسمانچیان (۱۳۷۲) در مقاله «توزیع و ترکیب جمعیت در شهرهای جدید» به مطالعه موردی دو شهر جدید شاهین شهر و پولادشهر پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که جمعیت و تحولات آن در طول زمان در شناخت شهرها به ویژه شهرهای جدید حائز اهمیت می باشند^۷.

علیزاده آهی (۱۳۷۲) در مقالهای تحت عنوان «تحركات جمعیتی و الگوی سلسله مراتب شهری» به بررسی الگوهای فعالیت در شهرها پرداخته است و نتیجه می گیرد که می توان بوسیله احیای فعالیت ها و ارزشهای کم رنگ شده آنان در زمینه تولید، نقش آنان را در این زمینه بازیابی نمود^۸.

اوبرای (۱۳۷۰) نیز در کتاب خود تحت عنوان «مهاجرت، شهرنشینی و توسعه» شرایط شکل گیری و افزایش جمعیت شهری را مشخص کرده است^۹.

پورافکاری و دیگران (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان «توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن» موضوع شهرنشینی در ایران را مورد بررسی قرار داده اند و به این نتیجه رسیده اند که الگوی توسعه شهری در ایران الگوی تسلط تک شهری و نیز تمرکز گرایانه بوده است.

پیشینه تاریخی رشد جمعیت ایران

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه با مصائب و دشواری های محیطی و غیرمحیطی زیادی روبرو بوده است که تا حد زیادی بر جمعیت، رشد و یا کاهش آن تأثیر داشته اند. در گذشته عوامل طبیعی و محیطی همچون بیماری های واگیر، خشکسالی ها و قحطی ها و حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله و عوامل غیرمحیطی همچون جنگ و درگیری های محلی و منطقه ای و تا حدودی مهاجرت ها بر جمعیت ایران مؤثر بوده اند.

براساس آمارهای موجود و برآوردهای انجام شده از جمعیت ایران، از سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۰ شمسی نرخ رشد جمعیت ایران بسیار پائین بوده است. رشد جمعیت در ایران در شرایط نابسامان طبیعی و قحطی ها و بیماری های واگیر و کشته آرام و کند بوده است. در بین سالهای ۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ شمسی جمعیت کشور در وضعیت ناخوشایندی بسر می برد. گیلبار* در این باره می نویسد که «نرخ زاد و ولد سالانه ۴۵ تا ۵۰ در هزار و نرخ مرگ و میر ۴۰ تا ۴۵ در هزار بوده و بنابراین رشد خالص جمعیت به نیم درصد در سال می رسیده است» و هیل، کاتوزیان و گیلبار معتقدند در فاصله سالهای ۱۲۵۲ تا ۱۲۸۹ شمسی بین ۲ تا ۳ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده شده است. در اواخر سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ شمسی) بر اثر بهبود روشهای قرنطینه^۱ و ایجاد درمانگاه ها که عمدتاً توسط انگلیسی ها انجام می شد، بیماری های کشته تا حدی مهار شد. جان فوران با بهره گیری از آمارها و برآوردهای مختلف نتیجه گیری می کند که جمعیت شهری در فاصله سالهای ۱۱۷۹ تا ۱۲۹۳ شمسی دو برابر شده است. و از ۱۰ درصد به ۲۵ درصد کل جمعیت کشور رسیده است حال آنکه جمعیت ایلی از ۵۰ درصد در سال ۱۱۷۹ شمسی به ۳۳ درصد در سال ۱۲۲۹ شمسی و ۲۵ درصد در سال ۱۲۹۳ شمسی رسیده است.^{۱۱} تا قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی

رشد جمعیت کشور کند بوده است. بهره گیری از برخی امکانات جدید از دوره رضاخان در کاهش مرگ و میر و در نتیجه افزایش جمعیت مؤثر بوده است. براساس جدول شماره ۱ که نشان دهنده جمعیت و متوسط رشد سالانه است رشد پائین و ثابت جمعیت سال ۱۳۰۰ و قبل از آن، از سال ۱۳۰۵ متحول شد و تا سال ۱۳۳۵ رو به افزایش بود. تا سال ۱۳۴۵ نیز رشد ۳/۱ درصدی را حفظ کرد ولی برنامه های کنترل جمعیت باعث کاهش آن در سرشماری سال ۱۳۵۵ شد. پیروزی انقلاب اسلامی و اعمال سیاست جدید در مورد جمعیت از یکسو و بروز جنگ ایران و عراق و در نتیجه کم توجهی به سیاست های جمعیتی پیش از انقلاب از سوی دیگر، متوسط رشد سالانه را افزایش داد و در سرشماری ۱۳۶۵ این رقم به ۳/۹ درصد رسید. از دهه ۱۳۷۰ مجدداً برنامه کنترل جمعیت مورد توجه قرار گرفت که بنا به آمارهای موجود در سال ۱۳۷۵ میزان رشد به ۱/۵ درصد رسید.

جدول شماره ۱: جمعیت و متوسط رشد سالانه

سال شمسی	تعداد جمعیت	متوسط رشد سالانه	سال	تعداد جمعیت	متوسط رشد سالانه
۱۲۶۰	۷۶۵۴۰۰۰	۰/۶	۱۳۲۵	۱۴۱۵۹۰۰۰	۲
۱۲۷۰	۸۱۲۴۰۰۰	۰/۶	۱۳۳۰	۱۶۲۳۷۰۰۰	۲/۸
۱۲۸۰	۸۶۱۳۰۰۰	۰/۶	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۳/۱
۱۲۹۰	۹۱۴۳۰۰۰	۰/۶	۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳/۱
۱۳۰۰	۹۷۰۷۰۰۰	۰/۶	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲/۷
۱۳۰۵	۱۰۴۵۶۰۰۰	۱/۵	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳/۹
۱۳۱۰	۱۱۱۸۵۰۰۰	۱/۴	۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۲/۵
۱۳۱۵	۱۱۹۶۴۰۰۰	۱/۴	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱/۵
۱۳۲۰	۱۲۸۳۳۰۰۰	۱/۴			

منبع: سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور

توضیح اینکه در جدول بالا متوسط رشد سالانه که در مقابل هر سال قید شده مربوط به میانگین سال های بین آن مقطع و مقطع قبلی است.

شاخص‌های جمعیتی ایران

محل سکونت

برابر آمار سرشماری‌های کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ به تدریج بر میزان شهرنشینی کشور افزوده شده است و درصد جمعیت شهرنشینی که در سرشماری ۱۳۳۵ حدود ۳۱/۴ درصد از کل جمعیت کشور بود، در سال ۱۳۷۵ به ۶۱/۳ درصد رسیده است. جدول شماره ۲: تعداد و درصد جمعیت نقاط شهری و روستایی در سرشماری‌های کشور

سال	کل کشور	نقاط شهری		نقاط روستایی		نقاط غیرساکن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۵۳۵۶۳	۳۱/۴	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۶		
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۹۴۲۴۶	۳۸	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۲		
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۳	۲۵۱۰۹۸	۵/۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۶۸۴۴۵۶۹	۵۴/۳	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۵	۳۶۳۹۷۴	۶/۵
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۳۱۸۳۶۵۹۸	۵۴/۵۴	۲۳۶۳۶۵۹۱	۴۲	۲۱۱۴۰۶	۳/۵
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۱/۳	۲۳۰۲۶۲۹۳	۳۸/۳۴		

منبع: سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور (مرکز آمار ایران)

توضیح اینکه علت اختلاف در جمع کل کشور با جمع نقاط شهری و روستایی برای سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به علت منظور کردن تعداد جمعیت غیرساکن در جمعیت کل کشور است و در بخش پایانی جدول بعنوان تفاضل جمعیت شهری و روستایی از کل محاسبه شده است. ولی در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ جمعیت غیرساکن در جمعیت روستایی منظور شده است.

جدول نشانگر اینست که با وجود کاهش نسبی جمعیت روستایی تا سال ۱۳۷۰ مقدار محدودی افزایش مطلق در آن وجود داشت ولی در سال ۱۳۷۵ برای اولین بار جمعیت روستایی کشور با کاهش رقمی (عددی) نیز مواجه شده است، علاوه بر اینکه نسبت به سال ۱۳۷۰ حدود ۴ درصد کاهش داشته است.

مهاجرت

از پدیده‌های مرتبط به افزایش جمعیت، مهاجرت و بویژه مهاجرت‌های داخلی روستا - شهری می‌باشد.

جدول شماره ۳: تعداد و درصد مهاجران در سرشماری های کشور

سال	جمعیت ساکن در خارج از محل تولد خود	
	تعداد (هزار نفر)	درصد نسبت به کل جمعیت کشور
۱۳۳۵	۲۰۲۲	۱۰/۷
۱۳۴۵	۲۳۵۲	۱۳/۱
۱۳۵۵	۷۱۳۶	۲۲/۷
۱۳۶۵	۱۱۰۲۶	۲۲/۳
۱۳۷۵	۸۷۱۸	۱۴/۵

منبع: زنجانی، حبیباله (۱۳۷۰) جمعیت و شهرنشینی در ایران، ص ۲۰۲-۱۹۴ و سالنامه آماری ۱۳۷۱ کل کشور توضیح اینکه آمار سال ۱۳۷۵ مربوط به ۱۰ سال قبل از سرشماری می باشد ولی در سالهای قبل در فاصله ۵ سال قبل از سرشماری محاسبه شده است.

در سرشماری سال ۱۳۳۵ تعداد ۲۰۲۲۱۹۹ نفر (۱۰/۷ درصد) از کل متولدین داخل کشور در نقاطی غیر از شهرستان محل تولد خود اقامت داشته اند^{۱۲}. در سرشماری ۱۳۴۵ حدود ۱۳/۱ درصد از جمعیت ثابت کشور را مهاجران شهرستانهای دیگر و متولدین خارج از کشور تشکیل می دادند. در سرشماری ۱۳۵۵ تعداد افرادی که در داخل کشور به دنیا آمده و در زمان سرشماری در شهرستانی غیر از محل تولد خود سکونت داشته اند، ۷۱۳۶۹۹۰ نفر بوده است که حدود ۲۲/۷ درصد کل جمعیت می باشد و ۸۷/۵ درصد از مهاجرین در نقاط شهری سکونت داشته اند. برابر سرشماری ۱۳۵۵ در فاصله ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ بالغ بر ۱/۵۷ میلیون نفر از افراد ۵ ساله به بالا از شهرستانی به شهرستان دیگر مهاجرت کرده اند که ۸۱/۳ درصد آنان به نقاط شهری و ۱۸/۷ درصد آنها به نقاط روستایی مهاجرت کرده اند.

از جمعیت ساکن سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۲۲/۳ درصد در جایی دیگر غیر از شهر و یا روستای محل تولد خود سکونت داشته اند. در سرشماری سال ۱۳۶۵ نسبت مهاجران خارج استانی در استان های تهران، خوزستان و باختران بیشتر و در استان های چهارمحال و بختیاری، همدان و گیلان کمتر است ولی نسبت مهاجران خارج از استانی در جمعیت نقاط شهری استان های محروم همچون کردستان (۴۲/۳)، کهگیلویه و بویراحمد (۴۰/۶) درصد) و ایلام (۴۰/۳ درصد) بیشتر از سایر نقاط است^{۱۳}. در سرشماری ۱۳۷۵ برحسب ۱۰ سال

گذشته مهاجران را بررسی کرده اند. از مجموع ۸۷۱۸۷۷۰ نفر مهاجر ۱۰ سال گذشته قبل از سرشماری، تعداد ۵۲۴۷۱۱۲ نفر (۶۰ درصد) خارج از شهرستان محل تولد خود و در داخل کشور (شهر و یا روستا) سکونت داشته اند. تعداد ۱۹۵۹۲۹۳ نفر (۲۲ درصد) از مهاجران از نقاط روستایی شهرستان محل اقامت خود مهاجرت کرده اند و بطور کلی محل اقامت قبلی تعداد ۲۸۲۳۰۰۰ نفر (۳۲ درصد) از مهاجران، نقاط روستایی بوده است و محل اقامت قبلی تعداد ۵۶۰۲۸۶۵ (۶۴ درصد) نفر از مهاجران، نقاط شهری بوده است که نشانگر رشد نوع جدید از مهاجرت یعنی مهاجرت شهر به شهر در کشور می باشد که عمدتاً مربوط به مهاجرت از نقاط شهری کوچکتر به شهرهای بزرگتر به ویژه کلان شهرها می باشد.^{۱۴}

شهرنشینی

آمارهای جمعیتی سرشماری ها نشانگر رشد فزاینده جمعیت شهرنشین کشور است به گونه ای که از جمعیت ۱۸/۹ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۳۵ نزدیک به ۳۱/۴ درصد و از جمعیت ۶۰ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۷۵ بیش از ۶۱ درصد شهرنشین بوده اند. با توجه به ترکیب جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ که عمدتاً در روستاها زندگی می کردند و افزایش ۱۰۰ درصدی جمعیت شهرنشین کشور در طی ۴ دهه (تا ۱۳۷۵)، به این نکته پی می بریم که مهمترین و عمده ترین پیامد افزایش جمعیت در ایران، افزایش رشد شهرنشینی و شکل گیری شهرهای جدید در کشور بوده است. در سال ۱۳۳۵ تنها ۱۹۹ شهر در کشور وجود داشته است. در سال ۱۳۴۵ شمسی ۳۹ درصد جمعیت کشور در ۲۷۲ نقطه شهری، در سال ۱۳۵۵ حدود ۴۷ درصد جمعیت کشور در ۳۷۳ نقطه شهری و در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۴/۳ درصد جمعیت کشور در ۴۹۶ نقطه شهری می زیسته اند.^{۱۵} در طی دهه های اخیر علاوه بر افزایش تعداد شهرها، بر میزان جمعیت آنان و لذا شکل گیری شهرهای پرجمعیت و کلان شهر افزوده می شود.

جدول شماره ۴: طبقه بندی جمعیتی ایران در سرشماری های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵

سرشماری ۱۳۷۵			سرشماری ۱۳۶۵			رده جمعیتی
کل جمعیت (هزارنفر)	درصد	تعداد شهر	کل جمعیت (هزارنفر)	درصد	تعدادشهر	
۳۶۸۱۸	۱۰۰	۱۶۱۴	۲۶۸۴۵	۱۰۰	۴۹۶	جمع
۲۰۱۴۷	۵۵	۲۳	۱۴۲۲۲	۵۳	۱۶	۲۵۰۰۰۰ نفرو بیشتر
۵۱۳۳	۱۳/۹	۳۶	۳۷۵۷	۱۴	۲۵	۱۰۰۰۰۰-۲۴۹۹۹۹
۴۲۶۰	۱۱/۵	۶۰	۳۱۵۵	۱۱/۸	۴۶	۵۰۰۰۰-۹۹۹۹۹
۳۳۱۰	۸/۹	۹۴	۲۳۲۰	۸/۶	۶۷	۲۵۰۰۰-۴۹۹۹۹
۲۵۷۸	۷	۱۶۶	۲۳۰۰	۸/۵	۱۴۵	۱۰۰۰۰-۲۴۹۹۹
۱۱۰۵	۳	۱۵۰	۸۳۳	۳/۱	۱۱۳	۵۰۰۰-۹۹۹۹
۲۸۶	۰/۷	۸۳	۲۵۸	۱	۸۴	کمتر از ۵۰۰۰ نفر

منبع: سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور

۱. اختلاف سرجمع با اجزای آن مربوط به شهرهای تجریش و ری می باشد که در شهر تهران منظور شده است.

سیاست های جمعیتی و شهرنشینی در ایران

تا آغاز دهه ۱۳۳۰ رشد جمعیت در ایران شکل نگران کننده نداشت و حتی تا اوایل دهه ۱۳۴۰ برنامه کنترل جمعیت مورد توجه قرار نگرفت. جمعیت رو به افزایش کشور در اواخر دهه ۱۳۴۰، مسئولان کشور را به فکر برنامه کنترل جمعیت وا داشت و از آن زمان سیاست «فرزند کمتر زندگی بهتر» سرمشق برنامه های جمعیتی قرار گرفت و تا حدودی نیز توانست به کنترل نرخ باروری بپردازد. پس از انقلاب اسلامی، که تحولاتی در ساختار ارزشی و هنجارهای اجتماعی به وجود آورد، برنامه کنترل جمعیت نیز توسط اکثریت روحانیون مورد نکوهش قرار گرفت و حتی برخی از مردم بر این اساس کنترل جمعیت را گناهی نابخشودنی می دانستند. این نگرش و پندارهای دیگر در مورد ازدواج به افزایش میزان باروری دامن زد:

۱. افزایش دامنه ازدواج های مجدد که برخی با تاسی و تمسک جستن به سنت و سیره پیامبر اکرم (ص)، آن را امری پسندیده می دانستند.

۲. کاهش سن ازدواج برای دختران و یا اغماض در مورد ازدواج در سنین پائین زیرا این نگرش وجود داشت که با ازدواج در سن جوانی، از آلوده شدن جوانان به مظاهر و مفسد اخلاقی جلوگیری می شود. شرایط اجتماعی ناشی از جنگ تحمیلی مخالف نگرش کنترل جمعیت بود زیرا به جنگ بعنوان پدیده ای دراز مدت احتمالی می نگرستند که نیاز به نیروی جوان پیدا خواهد کرد و لذا اندیشه فرزند کمتر نمی توانست با فضای فکری ناشی از جنگ همخوانی داشته باشد. ولی در سال ۱۳۶۷ با توجه به فتوای حضرت امام (ره) در مورد بلاشکال بودن کنترل جمعیت، نقطه عطفی در سیاست های جمعیتی کشور ایجاد گردید که بدنبال آن برنامه های تنظیم خانواده مجدداً مورد توجه قرار گرفت.

سیاست های اقتصادی اجتماعی

شرایط نابسامان اقتصادی پس از انقلاب و به ویژه شرایط پس از آغاز جنگ تحمیلی که با نوعی تحریم همه جانبه اقتصادی همراه بود، به ناچار کشور را به سمت نظام جیره بندی و کالاهای یارانه ای کشاند و البته این نظام در برآوردن نیازهای اولیه به جای اینکه با کاهش بی عدالتی و فقر عمومی همراه باشد، ناخواسته زمینه افزایش جمعیت را فراهم کرد، زیرا نظام جیره بندی «کالا برگی» مبتنی بر تعداد عائله خانوارها بود و بالطبع هر خانواری که از تعداد عائله (فرزندان) بیشتری برخوردار بود از میزان کالاهای یارانه ای (کوپنی) بیشتر بهره مند می شد و لذا انگیزه فرزند آوری در بین طبقات متوسط و فقیر جامعه افزایش یافت.

از سوی دیگر در نظام توزیع کالاها و خدمات و برخی تسهیلات زیربنایی تعداد فرزند به عنوان امتیاز قلمداد می شد. مثلاً در زمینه ارائه زمین و یا خانه سازمانی و وسایل خانگی همچون یخچال و ... هر فرزند امتیاز معینی را در برداشت. بصورت جزئی تر می توان به سیاست نظام اداری در بها دادن به تعداد فرزندان در تعیین میزان عائله کارمندان و یا انتقالی کارکنان آموزش و پرورش اشاره کرد. مجموعه این شرایط زمینه افزایش جمعیت کشور و به ویژه جمعیت شهرنشین کشور را فراهم ساخت. سیاست واگذاری زمین شهری به کارکنان دولت و حتی معلمانی که در روستاهای کنار مراکز شهری زندگی می کنند از جمله

مشوق های حضور و تراکم جمعیت در مناطق شهری است. در کنار عوامل فوق کاهش نرخ اشتغال زنان از ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ می تواند به عنوان زمینه های افزایش باروری در طی سالهای پس از انقلاب قلمداد شود. کاهش اشتغال زنان در مورد زنان روستایی شدیدتر است و بطور متوسط هر سال ۵ درصد کاهش داشته است. کاهش نرخ اشتغال مردان در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵، ۷/۵ درصد بوده است ولی در مورد زنان این کاهش ۴۳/۵ درصد بوده است. بین اشتغال زنان و کاهش تعداد فرزندان رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد و در ده ساله ۵۵ تا ۶۵ کاهش فعالیت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی توأم با افزایش جمعیت بوده است.^{۱۶}

لیپتون* در مقاله خود «سونگری شهری» استراتژی جایگزینی واردات را طرح کرده بود. استراتژی جایگزینی واردات باعث سوق دهی جریان توسعه به سمت مناطق شهری و در نتیجه افزایش مهاجرت می شود.^{۱۷} اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب آغاز شد و در هنگام جنگ تحمیلی تشدید گردید. از عوارض این سیاست ها سرمایه گذاری بیشتر در شهرها، کاهش ارزش پول داخلی در مقابل ارز خارجی، ارائه سوبسید به بخش صنعت در مقابل ورشکستگی بخش کشاورزی و بطور مصنوعی با دخالت دولت قیمت محصولات کشاورزی را در حد پائین نگهداشتن و در نتیجه افزایش مهاجرت روستا - شهری را می توان نام برد.

سیاست مربوط به شهرنشینی

در سرشماریهای قبل از سال ۱۳۶۵، شهر شامل کلیه مراکز شهرستان ها (بدون در نظر گرفتن جمعیت آنها) و نقاطی بود که در هنگام سرشماری جمعیت آنها پنج هزار نفر و بیشتر بوده است و لذا عامل جمعیت به عنوان مهمترین ملاک تعریف شهر محسوب می شد. ولی از سرشماری سال ۱۳۶۵ به بعد هر یک از نقاطی که دارای شهرداری باشند بعنوان شهر شناخته می شوند.^{۱۸} طبیعی است که با این تعریف جدید بسیاری از مراکز بخش ها و دهستان ها که با تلاش و پیگیری اهالی در آنجا شهرداری ایجاد شده باشد اعم از اینکه جمعیت آنها به پنج هزار نفر رسیده باشد و یا نه شامل نقاط شهری می گردند. در

جامعه ما یک نقطه پس از آنکه به عنوان مرکز اداری و سیاسی شناخته شود پذیرای جمعیت مهاجر زیادی می‌گردد و اگر در ابتدا نیز قابلیت شناخته شدن به عنوان یک شهر را نداشته باشد پس از مدتی با جذب جمعیت و خدمات مورد نیاز بیشتر، شکل شهر به خود می‌گیرد. با ضابطه سال ۱۳۶۵ به بعد می‌توان گفت تعداد بسیاری از نقاطی که جمعیت زیر پنج هزار نفر را دارا باشند در پی شهری شدن می‌باشند و لذا نقاط با جمعیت بالاتر از پنج هزار نفر فاقد شهرداری کمتر وجود دارد. به این ترتیب برخی از نقاطی که براساس ضوابط دهه های گذشته شامل مناطق غیرشهری بودند و زمینه جذب مهاجر کمتری داشتند، در حال حاضر به عنوان نقطه شهری قلمداد شده و پتانسیل بالایی برای جذب مهاجرین و خدمات شهری را در خود دارند.

افزایش جمعیت شهری

یکی از راههای اصلی افزایش جمعیت شهری، افزایش مهاجرت از نقاط روستایی به نقاط شهری است. در ایران به ویژه پس از اصلاحات ارضی و رها شدن بسیاری از زارعان از زمین های اربابی (بدلیل نداشتن زمین و یا کوچک بودن اندازه زمین آنها) سیل مهاجرت به شهرها افزایش یافت. اقدامات بعدی در ساخت فعالیت کشور یعنی ایجاد صنایع مونتاژ و کارخانجات تولیدی در اطراف شهرهای بزرگ روند مهاجرت روستا - شهری را تسریع کرد و میل به تحصیل و بهره گیری از امکانات فضای شهری زمینه های بعدی افزایش مهاجران بود. مطالعه سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ در مورد شهر تهران نشان داد ۵/۲ درصد از مهاجران برای ادامه تحصیل و ۱۷ درصد برای کار بهتر مهاجرت کرده اند.^{۱۱} مطالعات نشان می دهند ۷۲ درصد از مهاجرین به تهران یا به طلب شغل و یا شغل بهتر به تهران مهاجرت کرده بودند.^{۱۲} میزان افزایش شهرنشینی در اثر مهاجرت روستائیان در ایران قبل از انقلاب در دهه ۴۵- ۱۳۳۵، ۴۱ درصد و در دهه ۵۵- ۱۳۴۵، ۴۴ درصد بوده است.

جدول شماره ۵: نرخ رشد شهرنشینی و افزایش شهرنشینی در اثر مهاجرت روستائیان

سال	مقدار جابجایی جمعیت (میلیون نفر)	نرخ رشد شهرنشینی (درصد)	رشد طبیعی جمعیت (سالانه - درصد)	دراثر مهاجرت روستائیان (درصد)
۱۳۳۵-۴۵	۱/۳	۵	۳/۱	۴۱
۱۳۴۵-۵۵	۳	۴/۷	۲/۷	۴۴

آمارهای زیر که از منبع پیش ذکر شده است نشانگر آغاز روند افزایش مهاجرت روستا - شهری از سال ۱۳۰۰ میباشند.

جدول شماره ۶: تعداد و نرخ مهاجرت از روستا به شهر طی سالهای ۵۴ - ۱۳۰۰^{۲۱}

سال	نرخ رشد طبیعی (درصد)	نرخ مهاجرت از روستا (درصد)	تعداد مهاجرین سالانه از روستا (هزارنفر)
۱۳۰۰-۱۳۲۰	۱/۶	۰/۶	۳۰
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۲/۴	۱/۲	۱۵۰
۱۳۳۱-۱۳۴۲	۳	۱/۴	۱۹۰
۱۳۴۳-۱۳۵۴	۲/۷	۱/۶	۲۷۰

در فاصله سرشماریهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ متوسط رشد سالانه جمعیت کل کشور در بین سرشماریها به مراتب کمتر از متوسط رشد سالانه جمعیت شهری کشور بود که این افزایش عمدتاً ناشی از مهاجرت روستا - شهری بوده است.

جدول شماره ۷: متوسط رشد سالانه جمعیت (درصد) ۷۵ - ۱۳۳۵^{۲۲}

سال سرشماری	متوسط رشد سالانه جمعیت (درصد)	
	کل کشور	شهری
۱۳۳۵-۴۵	۳/۱	۵
۱۳۴۵-۵۵	۲/۷	۴/۷
۱۳۵۵-۶۵	۳/۹	۵/۳
۱۳۶۵-۷۵	۲	۲/۲

کشور ایران به دلیل اینکه کمتر در معرض مهاجرت‌های مهم بین‌المللی قرار گرفته است از ترکیب جنسی متجانسی برخوردار است و تفاوت در نسبت جنسی نقاط شهری و روستایی نمی‌تواند کاملاً ناشی از مهاجرت روستا - شهری بوده باشد زیرا در سرشماری‌های گذشته همواره تعداد مردان بیشتر از زنان بوده است ولی در عین حال می‌توان گفت بالا بودن نسبت جنسی در شهرها تا حدودی ناشی از مهاجرت روستا - شهری است.

جدول شماره ۸: ترکیب جنسی کشور در سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵

سال	کل کشور	نقاط شهری	نقاط روستایی
۱۳۳۵	۱۰۲/۶	۱۰۶/۵	۱۰۲/۳
۱۳۴۵	۱۰۷/۴	۱۰۹/۵	۱۰۵/۴
۱۳۵۵	۱۰۶/۱	۱۰۹/۶	۱۰۲/۱
۲۳ ۱۳۶۵	۱۰۴/۶	۱۰۵/۳	۱۰۲/۸
۱۳۷۵	۱۰۲/۲	۱۰۴/۳	۱۰۱/۶

بیشترین میزان نسبت جنسی به سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ مربوط می‌شود که در دو سرشماری ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به بالاترین حد خود رسیده بود که بخشی از آن به سبب قرار گرفتن سربازخانه‌ها و پادگانها در قالب عنوان خانوار دسته جمعی بود و بخشی از آن نیز می‌تواند متوجه مهاجرت روستا - شهری باشد، همانگونه که رشد شهرنشینی در این دو سرشماری نسبتاً بالا بوده است. پس از انقلاب بدلیل توجه به نقاط محروم و استقرار برخی خدمات در شهرهای کوچک و یا برخی از روستاها تا حدی از حجم مهاجرت به شهرهای بزرگ کاسته شد. شهرنشینی فزاینده در کشور طی دهه‌های گذشته به نوعی به تراکم جمعیت در برخی از گروه‌های سنی به ویژه گروه‌های فعال در شهرها منجر شده است. در سرشماری ۱۳۵۵ بیشترین نرخ شهرنشینی در گروه سنی ۲۴ - ۲۰، ساله در سرشماری ۱۳۶۵ در گروه‌های سنی ۲۹ - ۲۵ و ۳۴ - ۳۰ ساله و در سرشماری ۱۳۷۵ بیشترین نرخ شهرنشینی در گروه‌های سنی ۳۴ - ۳۰ ساله و ۳۹ - ۳۵ ساله بوده است. در سرشماری ۱۳۵۵ بیشتر گروه‌های سنی دارای نرخ رشد شهرنشینی در دامنه ۴۰ تا ۴۵ درصد می‌باشند، در سال ۱۳۶۵ اکثریت در دامنه ۵۰ تا ۵۵ درصد و در سال ۱۳۷۵ در دامنه ۵۵ تا ۶۵ درصد می‌باشند که نشانگر آن است که : ۱- در طی دو دهه گذشته نرخ شهرنشینی به شدت

افزایش یافته و ۲- این افزایش در گروههای سنی فعال بیش از سایر گروه ها می باشد و در هر دهه نسبت به دهه پیش گروههای سنی بالاتر حائز اکثریت نرخ رشد می شوند. یکی از نشانگرهای دیگر مهاجرت روستا - شهری و افزایش میزان شهرنشینی در کشور وضعیت متولدین نقاط شهری و روستایی می باشد. اگر چه متولدین کشور در مقایسه با سال ۱۳۶۵ طی سالیان دهه ۱۳۷۰ رو به کاهش نهاده است، اما این میزان کاهش در نقاط روستایی بیش از نقاط شهری بوده است. این افزایش در نقاط شهری از دو جنبه قابل توجه است: ۱- نقاط شهری با میزان بالای مهاجرت جوانان در سن باروری مواجه بوده‌اند. ۲- نسبت جمعیت شهری به جمعیت روستایی رو به افزایش است و در سالیان اخیر درصد بیشتری از جمعیت کشور شهرنشین می باشند. تحول و پیامد دیگر شهرنشینی در جمعیت کشور، افزایش در میزان ازدواج در نقاط شهری در مقایسه با نقاط روستایی است که می تواند به دلیل پدیده مهاجرت روستا - شهری باشد زیرا افرادی که برای تحصیل و کار به شهرها مهاجرت می کنند اغلب جوان بوده و بخش زیادی از آنها زمینه ازدواج در شهرها را مناسب تر می بینند.

میانه سنی جمعیت، شاخصه جوانی یا پیری جمعیت یک کشور می باشد. میانه سنی با میزان باروری رابطه معکوس دارد. شرایط بهداشتی و درمانی برای افزایش طول عمر بزرگسالان نیز در افزایش میانه سنی جمعیت مؤثر است.

جدول شماره ۹: میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل کشور		سال سرشماری
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۲۴/۴	۱۷/۹	۲۵/۶	۱۹	۲۵	۱۸/۴	آبان ۱۳۴۵
۲۲/۷	۱۹/۱	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۴/۱	۱۹/۷	آبان ۱۳۵۵
۲۲/۶	۱۹/۶	۲۰	۲۲/۶	۲۳/۶	۱۹/۸	مهر ۱۳۶۵
۲۳/۵	۲۰/۸	۲۱	۲۳/۵	۲۴/۶	۲۰/۹	مهر ۱۳۷۰
۲۴/۵	۲۲/۳	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۵/۶	۲۲/۴	آبان ۱۳۷۵

منبع: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن

جدول شماره ۱۰: تعداد ازدواج ثبت شده در نقاط شهری و روستایی ۷۶ - ۱۳۶۵

سال	نقاط شهری	نقاط روستایی
۱۳۶۵	۲۲۵۰۱۱	۱۱۵۲۳۱
۱۳۷۰	۲۱۱۰۲۰	۱۳۷۸۳۱
۱۳۷۲	۲۳۲۶۲۹	۱۳۰۸۵۸
۱۳۷۳	۲۲۹۶۸۷	۱۲۳۹۸۴
۱۳۷۴	۲۴۰۸۰۷	۱۲۲۰۴۸
۱۳۷۵	۲۵۷۱۳۸	۱۲۲۱۲۵
۱۳۷۶	۲۸۷۲۳۱	۱۲۴۰۴۶

منبع: سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور

جدول شماره ۱۱: تعداد موالید ثبت شده به تفکیک نقاط شهری - روستایی ۷۵ - ۱۳۵۵ (هزار نفر)^{۳۲}

سال	شهری	روستایی	کل
۱۳۵۵	۵۵۶	۸۴۵	۱۴۰۱
۱۳۶۰	۱۰۲۱	۱۴۰۰	۲۴۲۱
۱۳۶۵	۱۱۳۸	۱۱۲۰	۲۲۵۹
۱۳۷۵	۷۰۱	۴۸۶	۱۱۸۷

میانه سنی کشور در سال ۱۳۷۵ نسبت به دهه های قبل افزایش داشته است و از ۱۶/۹ در سال ۱۳۴۵ به ۱۹/۴ در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در نقاط شهری این میزان برای مردان از ۱۸ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۰/۵ سال در سال ۱۳۷۵ رسیده است در حالی که در نقاط روستایی از ۱۵/۸ سال برای مردان در سال ۱۳۴۵ به ۱۷/۹ سال در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این آمار نشان می دهد که علیرغم افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی بافت روستایی هنوز از میانه سنی جوانتری برخوردار است و امکانات بهداشتی و درمانی برای طول عمر بیشتر در نقاط شهری نیز در این افزایش نقاط شهری بی تأثیر نیست.

جدول شماره ۱۲ - میانه سنی جمعیت برحسب جنس در نقاط شهری و روستایی ۷۵ - ۱۳۴۵^{۲۵}

سال سرشماری	کل کشور			نقاط شهری		نقاط روستایی	
	جمع	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
آبان ۱۳۴۵	۱۶/۹	۱۶/۸	۱۷/۱	۱۸	۱۷/۵	۱۵/۸	۱۶/۸
آبان ۱۳۵۵	۱۷/۴	۱۷/۱	۱۷/۷	۱۸/۷	۱۸/۶	۱۵/۴	۱۶/۷
مهر ۱۳۶۵	۱۷	۱۷	۱۷	۱۸/۴	۱۸/۳	۱۵/۵	۱۵/۷
مهر ۱۳۷۰	۱۷/۶	۱۷/۷	۱۷/۵	۱۹	۱۸/۶	۱۶/۳	۱۶/۲
آبان ۱۳۷۵	۱۹/۴	۱۹/۴	۱۹/۵	۲۰/۵	۲۰/۴	۱۷/۹	۱۸/۳

۱- فقط شامل جمعیت ساکن است

وضعیت اشتغال و شهرنشینی

با افزایش میزان شهرنشینی در کشور، تحولاتی در ساخت فعالیت ایجاد شد. مهمترین تغییر این بود که شمار و نسبت شاغلان کشور در بخش های شهری رو به افزایش نهاد. میزان افزایش در تعداد شاغلان متناسب با افزایش در جمعیت کشور به ویژه رشد شهرنشینی نبوده است. افزایش میزان اشتغال در مشاغل شهری نسبت به مناطق شهری در نتیجه افزایش جمعیت شهری بخاطر مهاجرت از نقاط روستایی، افزایش طبیعی جمعیت شهرها و یا افزایش نقاط جدید شهری می باشد و یا اینکه می تواند ناشی از افزایش مشاغل خدماتی و تولیدی نسبت به گذشته، که عمدتاً در نقاط شهری یافت می شوند، باشد.

همانگونه که قبلاً ذکر شد، استراتژی جایگزینی واردات ساختار فعالیت اقتصادی را متحول ساخته و به دنبال آن تغییراتی را در توزیع جمعیت فعال ایجاد می نماید. در چند دهه گذشته و به ویژه پس از اجرای نظام اصلاحات ارضی و ورود صنایع مونتاژ و کالاهای سرمایه ای خارجی، که منطبق با این استراتژی است، شهرها به عنوان کانون های عمده اقتصادی و فعالیت شناخته شدند. از سوی دیگر بخش کشاورزی به خاطر تکنولوژی پایین، بهره وری کم و کیفیت بالنسبه پایین و زیان های ناشی از اختلاف قیمت تولیدات این بخش با بخش های شهری قابلیت رقابت خود را به تدریج از دست داده و لذا بخشی از کارگران بخش کشاورزی و دهقانان کم زمین و بی زمین برای کاریابی راهی مراکز شهری شدند. این وضعیت زمینه ساز مهاجرت فزاینده روستا - شهری شد. به طور کلی یارانه های بخش

شهری به بهای زیان بخش کشاورزی تمام شده است و در نتیجه بخش کشاورزی با دخالت دولت استثمار گردیده است.

به طور کلی در جامعه ای که میزان شهرنشینی به سرعت افزایش می یابد، نرخ مشاغل شهری نیز افزایش پیدا می کند.

جدول شماره ۱۳: میزان های افزایش سالانه مشاغل و جمعیت ۶۵ - ۱۳۴۵^{۲۶}

جمعیت			شاغلان			سال
روستا	شهر	کل	روستا	شهر	کل	
۱/۱۰	۴/۹۴	۲/۷۱	۰/۴۰	۴/۶۵	۲/۱۵	۱۳۴۵-۵۵
۲/۳۹	۵/۴۱	۲/۹۱	۰/۷۵	۲/۷۷	۲/۲۶	۱۳۵۵-۶۵
۱/۷۴	۵/۱۷	۲/۳۱	۰/۵۷	۴/۲۰	۲/۲۰	۱۳۴۵-۶۵

در دوره ۲۰ ساله ۱۳۴۵-۶۵ جمعیت و شاغلان در شهرها افزایش بیشتری نسبت به روستاها داشته اند و از سوی دیگر افزایش شاغلان در کل کشور و به ویژه در نقاط شهری کمتر از افزایش جمعیت بوده است. به عبارتی رشد اشتغال همسان با میزان رشد جمعیت نبوده است و این وضعیت در نقاط شهری کاملاً به چشم می خورد، به ویژه در دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ که جمعیت ۵/۴۱ درصد و شاغلان ۲/۷۷ درصد رشد داشته اند.

صنعتی شدن

افزایش جمعیت شهری در ایران، همراه با افزایش مشاغل تولیدی و صنعتی متناسب با رشد جمعیت نبوده است. براساس آمارهای موجود در سال ۱۳۶۵ شهرهای استان یزد با ۳۷/۵ درصد، شهرهای استان مرکزی با ۳۵/۴ درصد و شهرهای استان زنجان با ۲۵/۲ درصد از کل شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر شهری بالاترین سطح اشتغال صنعتی را دارا بوده‌اند. شهرهای استان هرمزگان با ۱۵/۵ درصد و استانهای بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد با ۱۵/۶ درصد در پائین ترین رده قرار داشته اند. نرخ اشتغال بخش های خدمات و صنعت کشور رشد معکوس دارند به گونه ای که شهرهای با کمترین درصد اشتغال صنعتی، بیشترین درصد اشتغال در بخش خدمات را به خود اختصاص داده اند. بعنوان مثال استان یزد دارای ۵۴/۱ درصد اشتغال خدماتی و ۲۷/۵ درصد اشتغال صنعتی بوده است و استانهای بوشهر و هرمزگان با ۱۵/۶ و ۱۵/۵ درصد اشتغال در بخش صنعت به ترتیب ۸۰ و ۷۹ درصد اشتغال در بخش خدمات را به خود اختصاص داده اند.^{۲۷}

نبود زیربناهای صنعتی باعث سوق دهی جمعیت شهری و جمعیت های مهاجر روستایی به مشاغل خدماتی در نقاط شهری شده است. دو استان بوشهر و هرمزگان در ارتباط با کشورهای عربی و خدمات ورود و صدور کالا هستند. از سوی دیگر برخی از مناطق تجاری بصورت مناطق آزاد در این استانها زمینه گسترش خدمات را فراهم نموده است. عدم نیاز به تحصیلات و تخصص بالا برای اشتغال در بخش خدمات از دلایل دیگر گسترش آن به ویژه در نقاط شهری کشور بوده است که مواجه با رشد فزاینده مهاجرین هستند و بسیاری از آنها بدون تخصص و مهاجرت لازم می باشند.

برای سرشماری سال ۱۳۷۵ که به تفکیک استانی مشخص شده است در بین استانهای کشور استان های یزد، قم، اصفهان و آذربایجان شرقی به ترتیب با ۳۱/۸، ۳۰/۷ و ۲۸/۶ درصد بالاترین و استانهای کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، بوشهر و هرمزگان به ترتیب با ۸/۶، ۸/۷، ۱۰/۵، ۱۱/۳ و ۱۱/۳ درصد کمترین میزان اشتغال درگروه صنعت و مشاغل مربوط به آن را در سال ۱۳۷۵ به خود اختصاص داده اند.^{۲۸}

با وجود افزایش تعداد شاغلان بخش صنعت در نقاط شهری کشور بین سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، نسبت اشتغال در این بخش از ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۹/۶ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت. این سیر نزولی در تمام گروههای عمده تشکیل دهنده بخش صنعت پیش آمد^{۲۹}. علیرغم دو برابر شدن تعداد جمعیت در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵، تنها ۴۸ درصد بر تعداد شاغلان بخش صنعت افزوده شده است و در همین زمان بخش کشاورزی با کاهش میزان فعالیت روبرو بوده است. در بین گروههای اصلی فعالیت های صنعتی، صنایع مصرفی سبک بیشترین تعداد شاغلان را به خود جذب کرده اند و اشتغال در صنایع وابسته به استخراج بسیار محدود بوده است. بروز جنگ تحمیلی نیز در کاهش فعالیت های مربوط به صنعت نفت در استانهای غربی و جنوبی و در نتیجه کاهش نسبی سهم فعالیت صنعتی کشور مؤثر بوده است. تعداد شاغلان بخش صنعت از ۲/۰۱۲ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲/۷۸۱ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت در صورتیکه برای حفظ وضعیت سال ۱۳۵۵ ضروری بود که تعداد شاغلان این بخش به ۴/۴۱۹ میلیون نفر افزایش یابد حال آنکه این رقم در عمل معادل ۱/۶۲۸ میلیون نفر نسبت به رقم سال ۱۳۶۵ کمتر است.^{۳۰}

شهرهای کشورهای در حال توسعه به لحاظ وجود کانونهای متمرکز اقتصادی از موقعیت نسبتاً مناسبی از اشتغال برخوردارند اما روستاها عمدتاً عرضه کننده نیروی کار میباشند.^{۲۱} در همین شهرها عدم توازن بین رشد اشتغال و رشد جمعیت های جویای کار دارای شرایطی متفاوت با کشورهای توسعه یافته است. هر چه بر میزان بیکاری مطلق در روستاها افزوده می شود به همان نسبت حجم اشتغال در مشاغل خدماتی و یا کاذب مثل دستفروشی و ... و یا ورود به کارهای مغایر قانون مثل قاچاق، سرقت، فحشا و ... در شهرها فزونی می یابد. علاوه بر این افزایش جمعیت در مناطق شهری، شهرها را تبدیل به بازار تولیدات کشاورزی می کند و مشاغل واسطه ای را افزایش می دهد.

مصرف گرایی

کشورهای در حال توسعه در جریان توسعه نابرابر تبدیل به کانونهای مصرفی می شوند. شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه، مشخصه کانونهای مصرف گرایی هستند که از یکسو تولیدات بومی را از نقاط کمتر توسعه یافته به سمت خود جذب می نمایند و از سوی دیگر در ارتباط با دنیای خارج، اولین مرکز جذب و مصرف تولیدات کشورهای توسعه یافته هستند. کشور ما در دهه های اخیر به مصرف گرایی فزاینده سوق پیدا کرده است و یکی از صنایعی که در حد (کمی و نه کیفی) به آن توجه شده است صنعت خودروسازی است که تقریباً عمده تولیدات آن در داخل مصرف می شود. برابر آخرین آمار جهانی، ایران اولین کشور دارای رشد بالای مصرف انرژی است. مصرف بنزین، نفت سفید، گاز مایع و قیر از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ به بیش از دو برابر افزایش یافته است.^{۲۲}

توسعه ناموزون و کلان شهری در ایران

یکی از ویژگی های توسعه ناموزون تقسیم یک جامعه به مناطق با توسعه نابرابر شامل نواحی مرکز و پیرامونی است که در آن مناطق مرکزی امکانات توسعه ای را از مناطق پیرامونی جذب نموده و در این فراگرد عقب ماندگی مناطق پیرامونی و توسعه مراکز جهت معکوس با هم دارند. مهمترین ویژگی مناطق مرکزی، جمعیت بالا در قیاس با دیگر مناطق کشور می باشد و از این طریق، شهرهای بزرگ و حتی کلان شهرها شکل می گیرند.

در ایران تعداد شهرهای بالای صد هزار نفر از ۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۵۹ شهر در سال ۱۳۷۵ رسیده است و درصد شهرنشینی در کشور از ۲۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۱/۳۱ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در فاصله دو سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ تعداد ۱۱۸ شهر به تعداد شهرهای کشور افزوده شده است. در سرشماری سال ۱۳۷۵ شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بالاتر ۶۸/۷ درصد از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده بودند که حدود نیمی از آن مربوط به ۵ شهر با جمعیت بالای یک میلیون نفر بوده است.

جدول شماره ۱۴: تعداد شهرهای بالای صد هزار نفر جمعیت و درصد جمعیت شهرنشین کشور

۳۳
۱۳۳۵ - ۷۵

سال	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهرنشین کشور	
		درصد شهرنشینی	میزان افزایش نسبت به دهه قبل (درصد)
۱۳۳۵	۹	۲۱/۴	
۱۳۴۵	۱۲	۲۸	۶/۶
۱۳۵۵	۲۳	۴۷	۹
۱۳۶۵	۴۱	۵۴/۳	۷/۳
۱۳۷۰	۴۷	۵۴/۵	-
۱۳۷۵	۵۹	۶۱/۳۱	۸/۰۱

هر شهر بزرگ و یا کلان شهر در حوزهای قرار گرفته است که تا شعاع معینی کلان شهر و یا شهر بزرگ دیگری وجود ندارد و مناطق پیرامونی آن از جنبه های مختلف وابسته به آن هستند. شهرهای مراکز استانها در کشور اغلب چنین ویژگی ای دارند. پیران در بررسی خود تحت عنوان «توسعه برونزا و شهر» نشان می دهد مراکز استان هایی که دارای پراکندگی کمتری در جمعیت خود هستند و امکانات طبیعی و غیرطبیعی اقتصادی آنها نابرابر توزیع شده است و از سویی در صد شهرنشینی در آنها بالاست، درصد بیشتری از جمعیت استان را در خود جذب کرده اند.

۳۴

جدول شماره ۱۵: درصد جمعیت بزرگترین شهر هر استان به کل جمعیت آن استان در سال ۱۳۶۵

استان	درصد	استان	درصد	استان	درصد
تهران	۷۹/۵	فارس	۵۱/۸	بوشهر	۳۴/۵
باختران	۶۸/۳	آذربایجان شرقی	۴۸/۹	آذربایجان غربی	۳۳/۴
هرمزگان	۶۵/۶	همدان	۴۸/۲	لرستان	۳۲/۶
یزد	۶۰/۷	کردستان	۴۷/۳	چهارمحال و بختیاری	۳۲/۵
سیستان و بلوچستان	۵۸/۴	اصفهان	۴۷	زنجان	۳۱/۴
خراسان	۵۷/۳	خوزستان	۳۹/۴	کهگیلویه و بویراحمد	۲۶/۷
ایلام	۵۶/۹	گیلان	۳۷/۲	سمنان	۲۶/۵
مرکزی	۵۵/۸	کرمان	۳۶/۳	مازندران	۱۰/۷

شاخص دیگری برای شناخت نابرابری توسعه شهری در کشور «شاخص اصلی تمرکز شهری» است که از تقسیم جمعیت بزرگترین شهر بر مجموع جمعیت دومین، سومین و چهارمین شهر کشور $[P1 : (P2 + P3 + P4)]$ به دست می آید. تمرکز جمعیت در تهران در سال ۱۳۷۹ رقمی برابر $۰/۵۳۳۳۳$ بوده که در سال ۱۳۳۵ به $۱/۹۲۱۲$ (یعنی نزدیک به چهار برابر)، در سال ۱۳۴۵ به $۲/۱۹۸۹$ ، در سال ۱۳۵۵ به $۲/۳۵۶۷$ و در سال ۱۳۶۵ به $۱/۷۶۵۹$ رسیده است. کاهش نسبت جمعیت تهران نسبت به سه شهر بزرگ پس از آن به معنای کاهش تمرکز جمعیت شهر تهران نیست بلکه ناشی از ایجاد و گسترش مناطق حاشیه ای و پیرامونی در اطراف آن است.^{۲۰}

شاخص دیگری برای توسعه ناموزون نقاط شهری، شاخص تقدم و تسلط تک شهری در سطح استانهای کشور است که از تقسیم جمعیت بزرگترین شهر استان به دومین شهر همان استان بدست می آید $(P1:P2)$. این شاخص گویای عدم تعادل در توزیع استانی جمعیت کشور است.

جدول شماره ۱۶: شاخص تقدم و تسلط تک شهری در مقیاس استان در سال ۱۳۶۵

درصد	استان	درصد	استان	درصد	استان
۲/۵۱۷	کردستان	۴/۲۱۳	مرکزی	۱۱/۲۹۱	خراسان
۲/۱۲۱	چهارمحال و بختیاری	۴/۰۷۹	خوزستان	۱۰/۹۷۳	تهران
۱/۵۱۷	کهگیلویه و بویراحمد	۴/۰۶۵	ایلام	۹/۹۵۳	فارس
۱/۴۵۹	بوشهر	۲/۴۲۴	آذربایجان شرقی	۷/۷۱۵	باختران
۱/۱۲۶	لرستان	۳/۳۷۶	گیلان	۷/۵۰۸	هرمزگان
۱/۰۰۸	مازندران	۲/۸۰۶	کرمان	۷/۰۷۴	اصفهان
۰/۸۶۵	زنجان	۲/۶۳۰	آذربایجان غربی	۷/۰۶۹	سیستان بلوچستان
۰/۸۱۸	سمنان	۲/۵۸۸	همدان	۶/۷۸۱	یزد

توضیح اینکه اگر خارج قسمت جمعیت بزرگترین شهر استان به دومین شهر همان استان در حالت تعادل سلسله مراتب شهری در سطح استان حداکثر ۲/۵ تلقی شود، ۴ استان کشور در سال ۱۳۶۵ دارای تقدم و تسلط تک شهری بوده اند که در مورد ۸ استان این نسبت بسیار شدید است و شش استان نه تنها فاقد تقدم و تسلط تک شهری اند بلکه از اندازه معمول نیز کمتراند. پس از تهران شهر مشهد با جاذبه زیارتی خود به سرعت به قطب دیگر تسلط و تقدم شهری کشور تبدیل می گردد^{۳۶}. البته رشد بالای مناطق شهری بزرگ بیشتر مربوط به دهه ۵۵ - ۱۳۴۵ است و در دو دهه پس از ۱۳۵۵ بیشتر رشد شهرهای کوچک و یا ارتقاء نقاط روستایی به شهر در افزایش میزان شهرنشینی مؤثر بوده است. جدول شماره ۱۷ نشانگر رشد سالیانه برخی از شهرهای بزرگ می باشد.

جدول شماره ۱۷: متوسط رشد سالیانه جمعیت برخی از شهرهای بزرگ کشور (درصد)^{۳۷}

شهر	متوسط رشد سالانه به درصد					
	۱۳۳۵-۷۵	۱۳۷۰-۷۵	۱۳۶۵-۷۰	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۳۵-۵۵	۱۳۳۵-۲۵
تهران	۲/۸۲	۰/۸۶	۱/۳۹	۲/۹۲	۵/۲۲	۵/۷۱
رشت	۲/۴۰	۴/۱۷	۲/۲۱	۴/۴۱	۲/۷۹	۲/۷۵
اراک	۴/۷۷	۲/۸۲	۴/۵۴	۸/۵۵	۴/۹۷	۲
ساری	۴/۴۹	۱/۸۰	۲/۲۲	۴/۲۵	۴/۴۷	۶/۷۹
تبریز	۲/۵۹	۱/۸۱	۲/۳۱	۴/۹۷	۴/۰۱	۲/۳۶
اهواز	۴/۸۷	۲/۱۲	۴/۵۶	۵/۶۶	۴/۹۴	۵/۵۶
شیراز	۴/۶۵	۱/۷۶	۲/۶۱	۷/۱۴	۴/۶۷	۴/۶۹
کرمان	۴/۶۶	۴/۳۲	۲/۹۱	۶/۲۲	۵/۱۲	۲/۲۳
مشهد	۵/۲۷	۱/۴۲	۲/۷۵	۸/۱۶	۵/۰۱	۵/۴۰
اصفهان	۴/۰۹	۲/۳۵	۲/۶۹	۴/۰۸	۴/۵۵	۵/۲۳
همدان	۲/۵۴	۲/۷۹	۵/۱۱	۵/۰۹	۲/۹۳	۲/۲۰
قزوین	۲/۷۶	۰/۸۷	۲/۳۲	۵/۹۷	۴/۶۸	۲/۸۷
زنجان	۴/۶۱	۲/۴۱	۲/۳۷	۷/۹۳	۵/۵۱	۲/۲۲
خرم آباد	۵/۰۱	۱/۸۲	۲/۶۳	۷/۱۱	۵/۸۲	۴/۴۲

مأخذ مرکز آمار ایران، جمعیت شهرهای موجود کشور (۱۳۷۵)

به استثناء شهر تهران که از دهه ۱۳۳۵ بصورت مستمر با کاهش نسبی نرخ رشد مواجه بوده است بقیه شهرها دوران کاهش و یا افزایش نرخ رشد را دارا بوده اند. در این میان شهرهایی که مناطق پیرامونی آنها با مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجه است رشد حیرت آوری داشته اند بعنوان مثال مشهد، اراک، شیراز، خرم آباد و زنجان در دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ از این دسته اند. شهرهای مشهد و خرم آباد در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ بالاترین میزان نرخ رشد جمعیت شهری را داشته اند. شهرهای رشت و کرمان در فاصله ۷۵ - ۱۳۷۰ دارای نرخ رشد بالاتر از فاصله ۷۰ - ۱۳۶۵ بوده اند و دیگر شهرها از رشد کمتری نسبت به گذشته برخوردار بوده اند. بطور کلی باستثناء تهران متوسط رشد سالیانه جمعیت شهرهای کشور در دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ بیش از دهه های دیگر می باشد. در دهه ۷۵ - ۱۳۶۵ همزمان با

افزایش نرخ شهرنشینی (به ۶۲ درصد کل جمعیت کشور) شهرهای بزرگ نیز از رشد بالاتری نسبت به قبل برخوردار شدند و علاوه بر این، شهرک‌ها و شهرهای جدیدی نیز در اطراف شهرهای بزرگ و با برنامه ریزی دولت طراحی و تأسیس شدند. برخی از نقاط شهری حاشیه‌ای نیز بصورت خودانگیخته شکل گرفتند. مناطق حاشیه‌ای معمولاً بعنوان سکونتگاه‌های خوابگاهی برای شاغلان بخش‌های شهری قلمداد می‌شوند. به همین دلیل تعداد مشاغل موجود در شهرهایی که بصورت مادرشهر منطقه‌ای عمل می‌کنند معمولاً بیش از تعداد شاغلین ساکن در این شهرهاست زیرا محل سکونت تعدادی از شاغلین اینگونه شهرها (تهران و ...) در شهرک‌ها و یا شهرهای خوابگاهی پیرامون مادر شهر قرار دارند، از سوی دیگر تعداد مشاغل موجود در شهرهایی که در نزدیکی مادر شهر قرار دارند کمتر از تعداد شاغلین شهر است.^{۲۸}

رشد کلان شهرها در کشور بعنوان مناطق مرکزی به شیوه متروپلی دیگر مناطق را تحت تأثیر خود قرار داده است. تهران در سال ۱۳۵۵ با ۵ میلیون نفر جمعیت تقریباً ۷ برابر دومین شهر کشور یعنی اصفهان بود. در اطراف شهرهای بزرگ، دیگر نقاط شهری پرجمعیت وجود ندارد. در سال ۱۳۵۵ اصفهان حدود ۶۷۵ هزار نفر جمعیت داشت و جمعیت دومین شهر استان اصفهان یعنی همایون شهر حدود ۶۵ هزار نفر بوده است. در استان خراسان در همان سال پس از مشهد که حدود ۶۷۰ هزار نفر جمعیت داشت، جمعیت نیشابور به ۵۹ هزار نفر می‌رسید. در استان فارس در سال ۱۳۷۵ جمعیت شیراز حدود یک میلیون و یکصد هزار نفر بوده و دومین شهر استان یعنی مرودشت حدود دویست هزار نفر جمعیت داشته است و همین رشد جمعیت مرودشت نیز بخاطر نزدیکی به شهر شیراز و اشتغال بخشی از جمعیت آن در بخشهای مختلف اقتصادی شیراز و حومه بوده است.

نتیجه گیری

داده ها و آمارهای موجود کشور نشانگر افزایش میزان شهرنشینی در طی دهه های گذشته است. افزایش جمعیت شهرنشین در ایران در سه شیوه ممکن یعنی رشد طبیعی، میزان مهاجرت روستا - شهری و ارتقاء مناطق روستایی به شهر و یا الحاق مناطق حاشیه شهرها به شهر قابل توجه است. مهاجرت روستا - شهری و افزایش میزان شهرنشینی در دهه ۵۵ - ۱۳۴۵ از رشد بالایی برخوردار بوده است ولی در دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ از میزان رشد شهرنشینی و مهاجرت کاسته شد که مجدداً پس از پایان جنگ تحمیلی سیر مهاجرت و شهرنشینی رو به افزایش نهاد و حتی مناطق پیرامون شهرهای بزرگ یا در قالب شهرها و شهرک های جدید قرار گرفتند و یا بعنوان بخشی از شهرها قلمداد شدند. شهرنشینی و مهاجرت های روستا - شهری و شهر به شهر (شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ) روند شکل گیری شهرهای پرجمعیت و کلان شهرها را تسریع کرد. این پدیده در ارتباط با افزایش جمعیت کشور در طی دهه های گذشته قابل توجه است. کلان شهرها، با تسلط همه جانبه بر محیط پیرامونی خود توسعه آنها را تحت الشعاع خود قرار داده اند. از سوی دیگر شهرنشینی در کشور اشتغال، ساخت سنی و جنسی و میزان تمرکز منطقه ای جمعیت را تحت تأثیر قرار داده است. از نسبت مشاغل تولیدی به ویژه مشاغل تولیدی غیرشهری کاسته شده و بر مشاغل غیرتولیدی (خدماتی، اداری و مشاغل کاذب) افزوده شده است. میانه سنی جمعیت در نقاط شهری تا حدودی بالاتر از نقاط روستایی است و نسبت جنسی مردان در برخی گروه های سنی در نقاط شهری افزایش یافته است. موج افزایش جمعیت* سالهای پس از انقلاب، موجب بروز تغییرات جمعیتی همچون افزایش جمعیت جوان جویای کار، تحصیل و مسکن و مهاجرت فزاینده آنها به شهرها شده است که به شکل نردبانی به سمت شهرهای بزرگتر حرکت نموده و زمینه پیدایش کلان شهرها را فراهم ساخته است. وجود مناطق خودانگیخته، اقماری و حاشیهای در اطراف شهرهای بزرگ شرایط جدیدی را برای شهرنشینی پدید آورده است. دولت طی دهه گذشته سعی بر هدایت و ساماندهی جمعیت مازاد شهرهای بزرگ در قالب شهرها و شهرک های جدید نموده است که عملاً با رشد سریع شهرنشینی طی سالیان اخیر همخوانی دارد. دخالت دولت در امر مسکن از طریق

شرکت های تعاونی مسکن جهت واگذاری زمین و تولید خانه های ارزان قیمت در رشد شهرک های اقماری قابل ملاحظه است.

به نظر می رسد استراتژی جایگزینی واردات، پیامد آشکاری در ترکیب جمعیت کشور از نظر شهرنشینی داشته است و ساخت جمعیت را به سمت شهرنشینی بیشتر سوق داده است. فعالیت اقتصادی روستاهای کشور از آن تأثیر پذیرفته و روستائانی که توان رقابت با ساختارهای اقتصادی جدید نداشتند به شهرها مهاجرت نمودند. سیر مهاجرت عمدتاً به سمت شهرهایی بوده است که زمینهای فعالیت اقتصادی در آنها بیشتر از مناطق دیگر می باشد. سوگیری شهری در سیاست های اقتصادی کشور منجر به حمایت تصنعی از اقتصاد غیرکشاورزی و در نتیجه زیان بخش کشاورزی گردیده است. پیامد آشکار این سیاست مهاجرت فزاینده روستائیان به شهرها بوده است. پس از جنگ و به ویژه از دوران برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی، توجه به مناطق مختلف تا حدودی شرایط قبلی را تعدیل می کند.

نتیجه نهایی اینکه : توجه مضاعف به شهر بعنوان کانون اصلی فعالیتهای اقتصادی اجتماعی باعث تغییر نسبت جمعیت شهرنشین شده است.

پیشنهاها

۱. با توجه به وضعیت رو به کاهش نسبت جمعیت روستایی به کل کشور، پیشنهاد می گردد که برای فراهم سازی مطلوبیت ماندگاری در نقاط روستایی اقدامات اساسی، به ویژه از طریق برنامههای عمرانی توسعه اقتصادی اجتماعی، صورت پذیرد.
۲. پدیده کلان شهری بعنوان یک واقعیت پیش رو مورد توجه محققان، برنامه ریزان و مسئولان امر قرار گیرد و تدابیر اساسی برای شناخت ابعاد آن و برنامه ریزی اساسی جهت کاهش نابسامانیهای کلان شهری اتخاذ شود.

پانویس ها

- ۱ - روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، ۱۳۶۶، ص ۵۲.
- ۲ - ایران محبوب، جزوه جامعه شناسی شهری.
- ۳ - او برای ، ۱۳۷۰، جمعیت، شهرنشینی و توسعه، صص ۲۰ - ۲۹.
- ۴ - ایران محبوب، شهرنشینی جهان سوم ص ۷ - ۵.
- ۵ - ایران محبوب، جزوه های جامعه شناسی شهری . ص ۴۹ - ۴۸.
- ۶ - زنجان، حبیباله، ۱۳۷۰، جمعیت و شهرنشینی در ایران.
- ۷ - مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران ، ۱۳۷۲، صص ۲۵۴ - ۲۴۶.
- ۸ - همان منبع، صص ۶۲۵ - ۶۱۳.
- ۹ - او برای، همان منبع.
- ۱۰ - نکر شده در: فوران، جان، ۱۳۷۸، ص ۱۸۴.
- ۱۱ - همان منبع، ص ۱۹۴.
- ۱۲ - زنجان، حبیب، همان منبع، ص ۱۹۳.
- ۱۳ - همان منبع، صص ۲۰۲ - ۱۹۴.
- ۱۴ - سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور.
- ۱۵ - خیرآبادی، ۱۳۷۶، شهرهای ایران. ص ۵.
- ۱۶ - توسلی، ج کار و شغل، ص ۲۱۶ - ۲۱۵.
- ۱۷ - ایران محبوب، جزوه جامعه شناسی شهری شهرنشینی جهان سوم. ص ۱۰.
- ۱۸ - سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور، ص ۴۵.
- ۱۹ - کاستلو، ص ۹۲.
- ۲۰ - کاستلو، ص ۹۳.
- ۲۱ - حسامیان، فرخ و دیگران، شهرنشینی در ایران، ص ۱۰۴.
- ۲۲ - آمارهای سرشماریهای نفوس و مسکن سالهای ۷۵ - ۱۳۳۵.
- ۲۳ - زنجان، حبیباله، جمعیت و شهرنشینی در ایران، ص ۴۵.
- ۲۴ - Mehryar, 1997.
- ۲۵ - آمارهای سرشماریهای نفوس و مسکن سالهای ۷۵ - ۱۳۴۵.
- ۲۶ - زنجان، حبیباله، جمعیت و توسعه ، ص ۶۴.
- ۲۷ - همان منبع، ص ۷۳ - ۷۲.
- ۲۸ - سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور.
- ۲۹ - زنجان، جمعیت و توسعه، ص ۶۸.
- ۳۰ - زنجان، همان، ص ۶۵.
- ۳۱ - شاریه، ۱۳۷۲، ص ۵۸.

- ۳۲ - سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور.
- ۳۳ - نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن ۷۵ - ۱۳۳۵.
- ۳۴ - سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ (نتایج مقدماتی شهرهای کشور) صفحه ۱۰. مرکز آماری ایران.
- ۳۵ - پیران، پرویز «توسعه برونزا و شهر» سمینار شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، مجموعه مقالات، ص ۹۵.
- ۳۶ - همان منبع، صفحات ۹۶ - ۹۵.
- ۳۷ - مرکز آمار ایران. جمعیت شهرهای ایران، جمعیت شهرهای موجود کشور (۷۵ - ۱۳۳۵).
- ۳۸ - عابدین درکوش، سعید (۱۳۶۹)، ص ۱۱۴ - ۱۱۳.

منابع فارسی

- ۱ - اوپرای، اس. آمار جیت (۱۳۷۰)، جمعیت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ۲ - ایران محبوب (بی تا). جزوه جامعه شناسی شهری، دانشگاه شیراز، بخش علوم اجتماعی.
- ۳ - پورافکاری، نصراله و دیگران. «توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن»، فصلنامه جمعیت، شماره ۳۹ - ۴۰. صفحات ۱-۳۳.
- ۴ - پیران، پرویز (۱۳۶۹) «توسعه برونزا و شهر» در مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید؛ فرهنگی جدید در شهرنشینی. ص ۱۰۰ - ۷۹. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۵ - توسلی، غلامعباس. جامعه شناسی کار و شغل، تهران: انتشارات سمت.
- ۶ - خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶) شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت اله مافی، مشهد: نشر نیکا.
- ۷ - حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۷۷)، شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
- ۸ - ریسمانچیان، علی (۱۳۷۲). توزیع و ترکیب جمعیت در شهرهای جدید، دانشگاه شیراز: سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران. ص ۲۵۴ - ۲۴۶.
- ۹ - زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۰) جمعیت و شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز مطالعات تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۰ - زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۱). جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.
- ۱۱ - زنجانی، حبیب اله و رحمانی (۱۳۶۸) راهنمای جمعیت شهرهای ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری (وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی).

- ۱۲ - شاریه، ژان برنار (۱۳۷۳) *شهرها و روستاها*: آزمونی در دگرگونی مناسبات شهر - روستا در جهان، ترجمه سیروس سهامی، مشهد: نشر نیکا، چاپ اول.
- ۱۳ - کاستلو، وینسنت فرانسیس (۱۳۶۸) *شهرنشینی در خاور میانه*. ترجمه دکتر پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران: نشر نی.
- ۱۴ - عابدین درکوش، سعید (۱۳۶۹). «روشی برای پیشبینی اشتغال در سکونتگاههای شهری جدید» در: مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید؛ فرهنگی جدید در شهرنشینی؛ تهران: شرکت عمران شهرهای جدید وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی، ص ۱۲۰ - ۱۱۳.
- ۱۵ - علیزاده آهی، زرین تاج (۱۳۷۲) *تحركات جمعیتی و الگوی سلسله مراتب شهری، شیراز، سمینار مسائل جمعیتی ایران، ص ۶۲۵ - ۶۱۳*.
- ۱۶ - مرکز آمار ایران، *نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵*.
- ۱۷ - مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری ۱۳۷۶ کشور*.
- ۱۸ - مرکز آمار ایران، *جمعیت شهرهای ایران ۷۵ - ۱۳۳۵*.

منابع انگلیسی

- 1 - Lipton, M (1977) *Why Poor People stay poor: Urban bias in world development*. Cambridge: Harvard Univ. Press.
- 2 - Mehryar, A. (1997) *Some Indicators Of Education, Health And Sustainable Human Development In Iran*. Institute For Research On planning & Development.

